

## گروه‌های حرف اضافه‌ای در زبان فارسی: بررسی نقش‌گرا

والی رضایی\*

همایون سعیدی\*\*

### چکیده

گروه‌های حرف اضافه در نظریه‌پردازی‌های نحوی جایگاه خاصی را به خود اختصاص داده است. در دستور نقش و ارجاع، این گروه‌ها به سه دسته افزوده، نشانگر موضوع، و موضوع-افزوده تقسیم می‌شوند. در دسته اول، این گروه‌ها در قالب ادات ایفای نقش می‌کنند. در دسته دوم، گروه حرف اضافه یکی از موضوع‌های محمول می‌باشد. در دسته سوم، حرف اضافه نشانگر موضوع برای محمول است اما بر معنای بند نیز می‌افزاید. نوشتار حاضر نشان می‌دهد که گروه حرف اضافه‌ای در زبان فارسی دارای کارکردهای مختلفی است و، علاوه بر نقش ادات، می‌تواند به‌منزله نشانگر موضوع در ساخت‌های دومفعولی و گاهی به‌عنوان مفعول مستقیم و برخی نقش‌های دیگر به‌کار رود. در این جستار، گروه‌های حرف اضافه‌ای نشانگر موضوع، با توجه به افعالی که با آن‌ها تظاهر می‌یابند، به ده دسته تقسیم شده‌اند. گروه حرف اضافه‌ای همراه با فعل‌های ناگذر حرکتی، گروه حرف اضافه‌ای مکانی و غیرمکانی همراه با فعل ربطی، و گروه حرف اضافه‌ای در ساختارهای فعل سبک فارسی از دیگر مواردی است که، در این پژوهش، بررسی شده است.

**کلیدواژه‌ها:** گروه حرف اضافه، افزوده، نشانگر موضوع، موضوع-افزوده، زبان فارسی.

---

\* دانشیار زبان‌شناسی، دانشگاه اصفهان (نویسنده مسئول)، vali.rezai@fgn.ui.ac.ir

\*\* کارشناس ارشد آرفا، دانشگاه اصفهان، hn\_saeedi@yahoo.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۴/۲/۲۱، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۴/۴/۱۸

## ۱. مقدمه

گروه حرف اضافه‌ای یکی از سازه‌های پربسامد زبان فارسی است و در جمله‌های مختلف زبان به‌عنوان سازه‌ای مستقل یا سازه‌ای وابسته کاربرد دارد. در جمله‌های زیر، نقش‌های مختلف گروه حرف اضافه‌ای به‌عنوان سازه‌ای مستقل نشان داده می‌شود:

۱. او در کتاب‌خانه درس می‌خواند.
  ۲. ایران به دانشمندان خود می‌نازد.
  ۳. این پارچه از ابریشم است.
  ۴. ما از دشمن فریب نمی‌خوریم.
  ۵. آن پسر کتاب را به دوستش داد.
  ۶. اهل محل به او پهلوان می‌گفتند.
- گروه حرف اضافه‌ای به‌منزله وابسته گروه‌های اسمی، صفتی، و قیدی نیز به‌کار می‌رود؛ مانند نمونه‌های زیر:
۷. مصاحبه با بزرگان فرهنگ و ادب ضروری است. (وابسته گروه اسمی)
  ۸. علی بلندتر از برادر بزرگ خود است. (وابسته صفت)
  ۹. او بیش‌تر از من مطالعه می‌کند. (وابسته قید)

دیدگاه‌های دستورنویسان درباره گروه‌های حرف اضافه‌ای زبان فارسی متفاوت است و، همان‌گونه که اشاره خواهد شد، در این زمینه اختلاف نظر دارند. در دستور نقش و ارجاع (Role and Reference Grammar)، دسته‌بندی‌ای از گروه‌های حرف اضافه‌ای ارائه شده که مطرح کردن آن برای بررسی گروه‌های حرف اضافه‌ای زبان فارسی مفید و قابل توجه است. در این مقاله، پس از مرور برخی مطالعات انجام‌شده در این زمینه و معرفی اجمالی دستور نقش و ارجاع، دسته‌بندی گروه‌های حرف اضافه‌ای بر اساس این نظریه ارائه خواهد گردید.

## ۲. مطالعات پیشین

قریب و همکاران (۱۳۷۳: ۲۳۴) حرف اضافه را کلمه‌ای می‌دانند که نسبت میان دو کلمه را بیان کند و ما بعد خود را متمم کلمه دیگر قرار دهد، به‌طوری که معنی کلمه اول بدون ذکر کلمه دوم ناتمام باشد. نویسندگان این کتاب، گروه‌های حرف اضافه‌ای در نمونه ۱۰ را مفعول به‌واسطه برای فعل می‌نامند.

۱۰. هوشنگ دیروز کتاب را از دبستان به خانه برد.

ارژنگ (۱۳۷۴: ۲۴) حرف اضافه را کلمه‌ای می‌داند که نقش اسم یا ضمیر یا گروه اسمی را که همراه آن آمده نشان می‌دهد. حرف اضافه نقش‌نمای اسمی است که متمم کلمه دیگر است، همان‌طور که پیوند وابستگی، نقش‌نمای جمله پیروی است که خود وابسته فعل یا اسمی از جمله پایه است:

۱۱. رفتم به دیدن او

ایشان در بیان تفاوت مفعول غیر صریح یا با واسطه با متمم فعل می‌نویسد: «از نظر صوری، مفعول‌های با واسطه به متمم فعل شبیه‌اند؛ زیرا هر دو اسمی هستند که با کمک یکی از حروف اضافه در جمله آمده‌اند، مانند مثال‌های زیر:

۱۲. با او جنگیدم.

۱۳. با/تومییل آمدم.

اما فرق آن‌ها در این است که متمم را می‌توان از جمله حذف کرد بی‌آن‌که جمله ناقص شود ولی اگر مفعول را بدون هیچ قرینه‌ای از جمله حذف کنیم، جمله ناقص می‌شود». وحیدیان کامیار و عمرانی (۱۳۷۹: ۱۰۹) در مبحث انواع متمم بر این عقیده‌اند که هر اسمی که پس از حرف اضافه بیاید متمم است. وجود همه متمم‌ها الزامی است جز متمم قیدی. از میان همه متمم‌ها، تنها متمم فعل از اجزای جمله به‌شمار می‌آید. باطنی (۱۳۷۴: ۷۷) گروه‌های حرف اضافه‌ای را از نوع گروه‌های قیدی می‌داند و معتقد است که جایگاه ادات را در ساختمان بند اشغال می‌کنند.

به‌نظر غلامعلی‌زاده (۱۳۷۴: ۹۶)، گروه حرف اضافه‌ای هم در نقش سازه‌ای غیروابسته و عمده عمل می‌کند و هم به‌منزله وابسته پسین گروه‌های اسمی، صفتی، و قیدی به‌کار می‌رود. در حالت اول، یعنی در نقش سازه‌ای غیروابسته، نقش‌های زیر را دارد:

الف) قید: او برای خرید به بازار رفته است.

ب) مفعول مستقیم: آن‌ها به داورود سر زدند.

پ) مفعول غیرمستقیم: از یک سخن‌گوی بومی این پرسش را پرسید.

ت) مسند: فصل نخست درباره مهارت‌های حرکتی است.

او کاربرد گروه حرف اضافه را به‌عنوان وابسته گروه‌های اسمی، صفتی، و قیدی با نمونه‌های زیر نشان می‌دهد.

ث) وابسته پسین گروه اسمی: توجه به زبان امر تازه‌ای نیست.

ج) وابسته پسین صفت: نقاشی شما زیباتر از نقاشی من شد.

چ) وابسته پسین قید: او تندتر از من می‌دود.

مشکوٰۃ‌الدینی (۱۳۸۷: ۱۹۲) نقش‌ها و روابط دستوری گروه حرف اضافه‌ای را این‌گونه برشمرده است:

الف) گروه همراه در گروه حرف اضافه‌ای: از خانه تا محل کار.

ب) گروه همراه حرف اضافه: تا به این‌جا.

پ) با رابطه دستوری مسند: کشاورزان از روستاهای کشور هستند.

ت) با رابطه دستوری مفعول به واسطه: آن دختر کتاب را به مادرش داد.

ث) با رابطه دستوری بهره‌بر: باغبان برای ما گل آورد.

ج) با رابطه دستوری مفعول: به گل‌ها آب بدهید.

چ) با رابطه دستوری عامل: ما/ز دشمن فریب نمی‌خوریم.

ح) با رابطه دستوری ابزاری: با توپ بازی می‌کردند.

خ) با رابطه دستوری قید، ادات: در خانه، در خیابان.

همان‌گونه که ملاحظه گردید، آرای دستورنویسان درباره گروه حرف اضافه مشکلات و تناقضاتی دارد؛ مثلاً، در سه جمله زیر که به ترتیب از قریب و همکاران (۱۳۷۳)، ارژنگ (۱۳۷۴)، و غلامعلی‌زاده (۱۳۷۴) برگرفته شده، گروه حرف اضافه به‌عنوان مفعول باواسطه (غیرمستقیم) در نظر گرفته شده است:

۱۴. هوشنگ دیروز کتاب را از دبستان به خانه برد.

۱۵. با/و نبرد کردم.

۱۶. آن‌ها از داوود مقداری پول قرض گرفته‌اند.

در حالی که گروه حرف اضافه‌ای در جمله ۱۴ قابل حذف می‌باشد ولی در جمله ۱۵ قابل حذف نیست و به همین دلیل مفعول باواسطه نامیده شده است. ارژنگ مواردی را که گروه حرف اضافه‌ای را می‌توان حذف نمود، بدون این‌که جمله ناقص شود، متمم در نظر می‌گیرد. در جمله ۱۶، گروه حرف اضافه به این دلیل مفعول غیرمستقیم در نظر گرفته شده که دارای نقش نحوی متمم فعل متعدی دومفعولی است. یا مثلاً، گروه‌های حرف اضافه در جملاتی مانند ۱۷ و ۱۸، طبق نظر ارژنگ، مفعول غیرصریح ازی‌اند، در حالی که مشکوٰۃ‌الدینی آن‌ها را گروه حرف اضافه با رابطه دستوری عامل در نظر می‌گیرد.

۱۷. تو/از من رنجیدی.

۱۸. ما/ز دشمن نمی‌ترسیم.

به‌عنوان نمونه‌ای دیگر نظر باطنی (۱۳۷۴) را می‌توان ذکر کرد: «تمام گروه‌هایی که با

حرف اضافه شروع می‌شوند از نوع گروه‌های قیدی هستند و جایگاه ادات را در ساختمان بند اشغال می‌کنند».

در حالی که در نظر زبان‌شناسانی مانند ردفورد (Radford, 1997)، ادات (adjunct) برای دلالت بر سازه‌ای اختیاری به کار می‌رود که زمان، مکان یا حالتی را، که در آن رویدادی رخ می‌دهد، مشخص می‌کند. بر اساس داده‌های زبان فارسی، موارد بسیاری وجود دارد که حذف گروه حرف اضافه سبب خلل در ساختار جمله می‌شود و خوش ساختی جمله را تحت تأثیر قرار می‌دهد، مانند:

۱۹. او به دسته گل می‌ماند.

۲۰. مریم گلدان را روی میز گذاشت.

بنا بر مطالب فوق، تعاریفی که از دیدگاه‌های مختلف درباره حرف اضافه و گروه‌های حرف اضافه‌ای ارائه شده‌اند بسیار متفاوت‌اند و گاه با یکدیگر در تضاد و تقابل قرار می‌گیرند و همین امر ضرورت پژوهش بیش‌تر را در این زمینه آشکار می‌سازد.

### ۳. دستور نقش و ارجاع

دستور نقش و ارجاع مدلی نقش‌گرا از دستور است که ون ولین (Van Valin) با همکاری زبان‌شناسان دیگری چون ویلیام فولی (Foley) آن را در دهه ۱۹۸۰ ارائه کرد. این نظریه، در وهله نخست، زبان را ابزاری برای ارتباط کلامی در نظر می‌گیرد. بنابراین، جملات، در ابتدا، بر حسب کارکردهای معنایی و ارتباطی توصیف می‌شوند. دستور نقش و ارجاع نظریه‌ای یک‌لایه‌ای است، بازنمون نحوی یک جمله معادل با ساختار واقعی آن است که شامل ترتیب کلمات و واژگان آن می‌شود. بازنمون نحوی از طریق اصول منظورشناسی کلام به بازنمون معنایی مرتبط می‌شود.

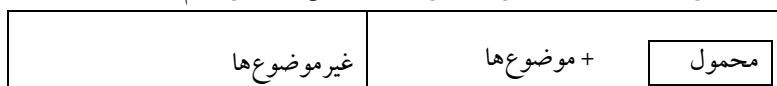
ون ولین و لاپولا (Van Valin and LaPolla, 1997) نظریه‌های زبان‌شناختی را به‌طور کلی به دو گروه طبقه‌بندی می‌کنند. در گروه اول، نحو مهم‌ترین جنبه زبان است و به همین دلیل به این نگرش «نحو بنیان» گفته می‌شود. نمونه بارز این ویژگی را می‌توان در آثار چامسکی مشاهده کرد. در گروه دوم، نظریه‌هایی قرار دارند که همگی آن‌ها وجود نحو به‌عنوان هسته خودمختار و مستقل زبان را نفی می‌کنند و بر اهمیت عوامل ارتباطی و شناختی در توصیف و تحلیل ساخت‌های دستوری تأکید می‌ورزند.

در دستور نقش و ارجاع، نظام‌های دستوری با توجه به کارکردهای ارتباطی و معناشناختی تجزیه و تحلیل می‌شوند، بنابراین نقش معناشناسی و کاربردشناسی زبان بسیار

قابل توجه است؛ به طوری که استقلال حوزه نحو از بین رفته و تعامل میان این حوزه‌ها پایه‌های اصلی این نظریهٔ زبانی را تشکیل می‌دهد.

### ۱.۳ ساخت معنایی و ساخت نحوی

مقوله‌های معنایی خاصی را در همهٔ زبان‌ها می‌یابیم اما زبان‌ها این مقوله‌ها را به طور متفاوتی در ساختار نحوی خود ظاهر می‌سازند. تمایز معنایی اساسی در همهٔ زبان‌ها بین محمول (predicate)، موضوع‌های آن (arguments) و عناصر غیرموضوعی است. محمول رویداد یا موقعیتی را توصیف می‌کند و اغلب با فعل بیان می‌گردد. موضوع‌ها شرکت‌کنندگان در آن عمل یا رویداد را معرفی می‌کنند؛ بنابراین، عبارات‌های ارجاعی‌ای هستند که اغلب در قالب گروه‌های اسمی بیان می‌شوند. عناصر غیرموضوعی چیزی را دربارهٔ زمان یا مکان رویداد یا موقعیت بیان می‌کنند. عناصر معنایی جهانی را در شکل زیر می‌بینیم:



سازه‌های نحوی عمده، که با موارد بالا معادل می‌باشند، عبارت‌اند از: هسته (nucleus) که شامل محمول می‌شود، مرکز (core) که هسته و موضوع‌های آن را در بر می‌گیرد، و حاشیه (periphery) که شامل غیرموضوع‌ها، گروه‌ها و کلماتی که کل مرکز را توصیف می‌کنند می‌شود. در ادامه، جملهٔ زیر بر این اساس تحلیل می‌شود.

۲۱. حسن دوستش را در دانشگاه دید.

برای تحلیل این جمله، ابتدا محمول را تعیین می‌کنیم. محمول معنایی فعل *دیدن* است که هستهٔ نحوی جمله را تشکیل می‌دهد. موضوع‌های آن، *حسن* و *دوستش* هستند و این سه سازه، با هم، مرکز را تشکیل می‌دهند. گروه اختیاری حرف اضافه‌ای مکان، در دانشگاه، در حاشیه قرار می‌گیرد. باید توجه داشت که این تحلیل، به جای این که بر طبقهٔ کلمات (اسم و فعل و ...) تمرکز داشته باشد، بر کارکرد متمرکز است. به موضوع‌های نحوی، که در مرکز می‌آیند، موضوع مرکز می‌گویند و ممکن است مستقیم یا غیرمستقیم (oblique) باشند. موضوع‌های مستقیم مرکز آن‌هایی هستند که در زبان‌هایی مانند انگلیسی با حرف اضافه نشان‌دار نمی‌شوند. موضوع‌های غیرمستقیم مرکز با حروف اضافه مشخص می‌شوند.

گروه‌های خاصی از موضوع‌های معنایی رفتار یکسانی در نحو دارند. گروه موضوع‌هایی که در نقش فاعل عمل می‌کنند عموماً نقش معنایی عامل (agent) دارند. گروهی از موضوع‌ها، که در نقش مفعول عمل می‌کنند، عموماً نقشی شبیه به کنش‌پذیر (patient) دارند. در این جا از

نقش‌های تعمیم‌یافته استفاده می‌شود، یعنی، گروهی که از نوع عامل هستند، اثرگذار (actor) و گروهی که از نوع کنش‌پذیرند، اثرپذیر (undergoer) نامیده می‌شوند. این نقش‌ها را فرانش (macrorole) نامیده‌اند، زیرا هرکدام از آن‌ها دربردارنده تعدادی نقش‌های معنایی خاص‌اند. اثرگذار ممکن است عامل، ابزار یا تجربه‌گر باشد؛ در حالی که اثرپذیر می‌تواند کنش‌پذیر، پذیرنده یا دریافت‌کننده باشد. این امر را می‌توان در جمله‌های زیر نشان داد:

۲۲. بچه گلدان را شکست.

۲۳. علی توپ را پرت کرد.

۲۴. او بچه‌ها را سرگرم کرد.

در جمله‌های فوق *گلدان*، توپ و بچه‌ها به ترتیب دارای نقش معنایی کنش‌پذیر، پذیرنده، و تجربه‌گرند، در حالی که همه آن‌ها اثرپذیرند. بعضی محمول‌ها ممکن است فقط یک موضوع داشته باشند و آن موضوع می‌تواند یکی از دو کلان نقش باشد:

۲۵. احمد می‌دود. (اثرگذار)

۲۶. یخ ذوب می‌شود. (اثرپذیر)

باید خاطر نشان نمود که اثرگذار و اثرپذیر معادل روابط دستوری فاعل و مفعول نیستند. این عدم تطابق را می‌توان در جمله‌های زیر نشان داد:

۲۷. بچه گلدان را شکست.

۲۸. گلدان شکسته شد.

در جمله ۲۷، بچه اثرگذار و *گلدان* اثرپذیر است در حالی که در جمله ۲۸ اثرپذیر در جایگاه فاعل قرار گرفته است.

### ۲.۳ طبقه‌بندی گروه‌های حرف اضافه‌ای در دستور نقش و ارجاع

در نظریه دستور نقش و ارجاع گروه‌های حرف اضافه‌ای، بر اساس این که شامل حروف اضافه‌ی محمولی یا غیرمحمولی بشوند، در دو مقوله قرار می‌گیرند: حروف اضافه‌ی محمولی (predicative prepositions) مانند محمول‌ها عمل می‌کنند، یعنی اطلاعات معنایی اساسی را، هم برحسب معنی خود و هم برحسب موضوعی که به دنبال آن‌ها می‌آید، برای بندی که در آن ظاهر می‌شوند، فراهم می‌کنند (VanValin, 2005: 21). حروف اضافه‌ی غیرمحمولی (non-predicative prepositions) اطلاعات معنایی اساسی برای بند فراهم نمی‌کنند و موضوع آن‌ها را محمول تعیین می‌کند (ibid: 22). هم‌چنین بین گروه‌های حرف اضافه‌ای،

از این نظر که موضوع محمول اصلی باشد یا نباشد، تمایز وجود دارد. در دستور نقش و ارجاع، سه نوع گروه حرف اضافه‌ای معرفی شده است که، در ادامه، بررسی خواهد شد.

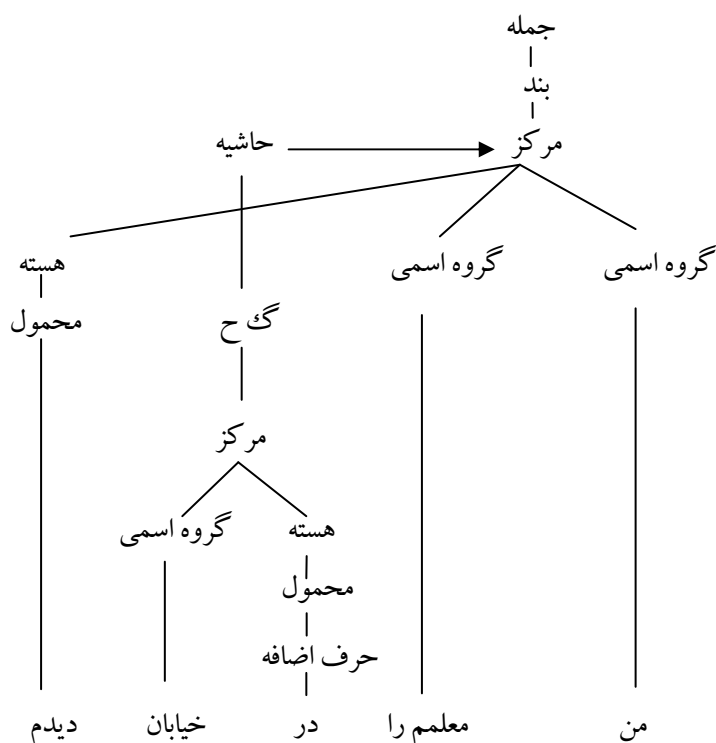
### ۱.۲.۳ گروه حرف اضافه‌ای افزوده

در این گروه، حروف اضافه محمولی مانند محمول‌ها عمل می‌کنند، یعنی برای بندی که در آن واقع می‌شوند اطلاعات معنایی فراهم می‌کنند. این اطلاعات معنایی هم مبتنی بر معنی خود حروف اضافه است و هم مبتنی بر معنی گروه اسمی که پس از آن‌ها می‌آید. بنابراین، این گروه‌های حرف اضافه‌ای افزوده یا ادات‌اند، یعنی عناصری که، به شیوه‌ای، رویداد یا موقعیتی را که محمول اصلی بیان کرده، توصیف می‌کنند.

۲۹. من معلم را در خیابان دیدم.

۳۰. برادر بزرگم در دانشگاه تدریس می‌کند.

۳۱. علی بعد از انجام تکالیفش تلویزیون تماشا می‌کند.



نمودار ۱. بازنمون سازه‌ای گروه حرف اضافه‌ای افزوده



در جمله‌های بالا، حرف اضافه بر معنی جمله می‌افزاید (مکان یا زمان رویداد). این‌که حرف اضافه چگونه به معنی کمک می‌کند، با تغییر حرف اضافه و ملاحظه چگونگی تغییر معنی جمله مشخص می‌شود:

۳۲. کتاب روی / زیر / کنار میز است.

### ۲.۲.۳ گروه حرف اضافه‌ای نشانگر

موضوع این گروه، به خلاف گروه قبلی، غیرمحمولی است. در این‌جا، خود حرف اضافه به اطلاعات معنایی اساسی کمکی نمی‌کند و حرف اضافه دیگری نمی‌تواند جانشین آن شود. این گروه‌ها موضوع‌های غیرمستقیم مرکز (oblique core argument) را با یک حرف اضافه مشخص می‌کنند. مانند نمونه‌های زیر:

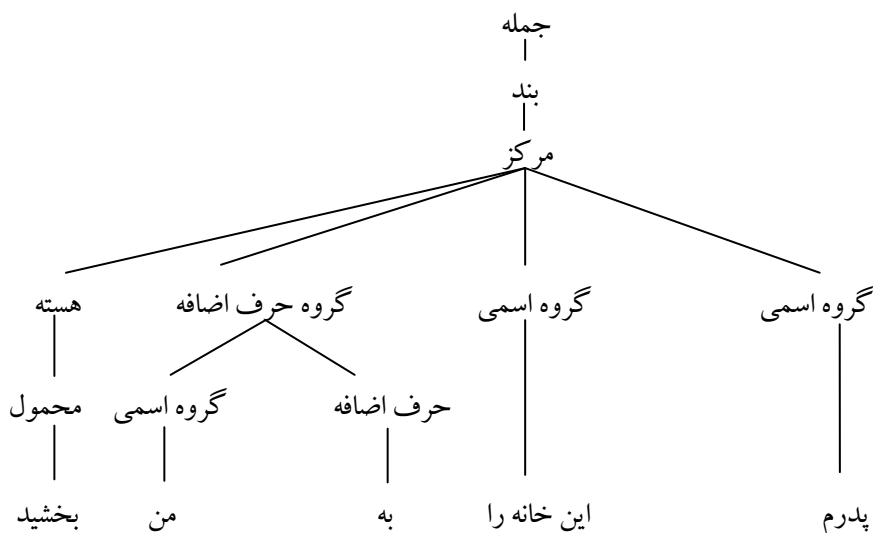
۳۳. من کتابم را به / از \* / در \* علی دادم.

۳۴. پدرم این خانه را به من بخشید.

۳۵. خانه را به او سپردم.

۳۶. این نکته را از استاد آموختم.

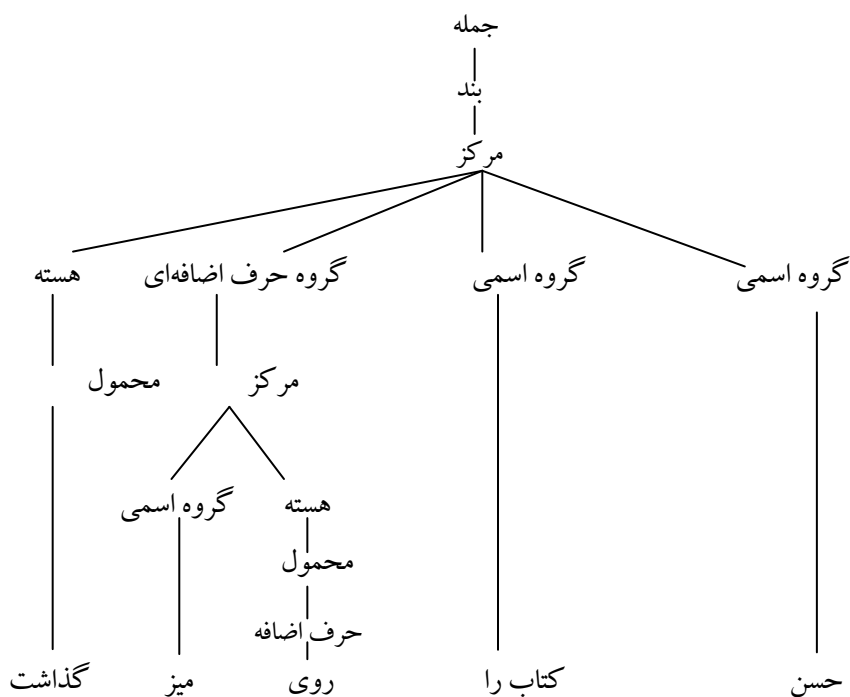
در مثال‌های بالا، محمول‌ها، یعنی بخشیدن، سپردن و آموختن، سه موضوع دارند و حرف اضافه موضوع سوم را مشخص می‌کند.



نمودار ۲. بازنمون سازه‌ای گروه حرف اضافه‌ای نشانگر موضوع

### ۳.۲.۳ گروه حرف اضافه‌ای موضوع - افزوده

این گروه، شامل حروف اضافهٔ محمولی می‌شود که بر معنی جمله می‌افزایند و، علاوه بر آن، یکی از شرکت‌کنندگان در رویداد را معرفی می‌کنند.  
 ۳۷. دانش‌آموز کتاب را در کیفش گذاشت.  
 ۳۸. او تیر را در کمان نهاد.



نمودار ۳. بازنمون سازه‌ای گروه حرف اضافه‌ای موضوع - افزوده

### ۴. تحلیل گروه‌های حرف اضافه‌ای زبان فارسی بر اساس دستور نقش و ارجاع

آن‌گونه که در بخش ۳.۲ مشاهده شد، تقسیم‌بندی گروه‌های حرف اضافه‌ای در دستور نقش و ارجاع گروه‌های حرف اضافه‌ای را، که سازه‌ای مستقل در جمله‌اند، در بر می‌گیرد. بنابراین، در این مقاله، تنها گروه‌های حرف اضافه‌ای مستقل زبان فارسی بررسی می‌شوند. تمایزی که در بخش ۳.۲ مطرح گردید، در واقع تمایز بین موضوع و ادات و ارائهٔ معیار

برای شناسایی آن‌ها است و از موضوعات مورد اختلاف در نظریه دستوری بوده است (Dowty, 2003; VanValin, 2001; Croft, 2001).

موضوع‌ها از نظر نحوی و معنایی به هسته خود، یعنی فعل، که با آن انتخاب می‌شوند، نزدیک‌ترین، سازه‌هایی اجباری و بخشی از مدخل واژگانی فعل‌اند. ادات بخشی از مدخل واژگانی فعل نیستند و زمینه یا وضعیت زمانی، مکانی، حالت و ... را توصیف می‌کنند که، در آن زمینه یا وضعیت، رویداد توصیف شده به وسیله فعل رخ می‌دهد و سازه‌هایی اختیاری‌اند. زبان‌شناسان درباره موضوع و ادات به‌عنوان دو قطب مخالف در پیوستار (موضوع/ادات) توافق نظر دارند که به ترتیب به‌صورت وابسته‌های اجباری و اختیاری تحقق پیدا می‌کنند:

۳۹. علی کتاب را در تاقچه گذاشت.

۴۰. علی کتاب را در تاقچه دید.

گروه حرف اضافه‌ای (در تاقچه) در جمله ۳۹ موضوع و در جمله ۴۰ ادات است. نقاط بینایی هم در پیوستار (موضوع/ادات) وجود دارد که معمولاً همه نظریه‌ها به آن اشاره نموده‌اند. مثلاً، دوتی (Dowty, 2003) گروه حرف اضافه‌ای ادات را، که در بعضی بافت‌ها شبیه متمم رفتار می‌کند، ادات زیرمقوله‌ای شده (subcategorized adjunct) می‌نامد. سازه‌های اختیاری (ادات) ممکن است در نقاط بینایی گرایش به موضوع بودن داشته باشند.

۴۱. او به خانه رفت.

۴۲. او به طرف ساحل شنا کرد.

۴۳. حسن به ایستگاه قطار رسید.

در جمله ۴۱، حذف عبارت جهتی (به خانه) در صورتی امکان‌پذیر است که مرجع آن برای طرف گفت‌وگو مشخص باشد (Croft, 2001: 27). در حالی که در جمله ۴۲ هدف حرکت (به طرف ساحل) آزادانه‌تر می‌تواند حذف شود. چنان‌که ملاحظه می‌شود، تشخیص گرایش به موضوع برای این سازه‌ها دشوارتر است. اختیاری بودن همیشه آزمون مناسبی برای تعیین ادات نیست. گروه حرف اضافه‌ای به خانه در جمله ۴۱ و به ایستگاه در جمله ۴۳، با وجود اختیاری بودن، به نظر می‌رسد بخشی از ظرفیت (valence) معنایی و نحوی فعل باشند. نقش معنایی هدف (goal) از فعل‌هایی مانند رفتن و رسیدن دریافت می‌شود. بنابراین، سازه‌های اختیاری (ادات) ممکن است از نظر نحوی و معنایی به‌عنوان موضوع پدیدار شوند (VanValin, 2001: 93). دشواری تشخیص و تمایز سازه‌های اختیاری که ممکن است موضوع واقع شوند سبب ارائه تحلیل‌های دیگری شده است، مثلاً دوتی (۲۰۰۳)

تحلیل دوگانه‌ای را مبنی بر متمم بودن ادات و ادات بودن متمم ارائه نموده است. به این معنی که وضعیت سازه‌ای یک‌سان بر حسب محمولی که با آن همراه می‌شود متغیر است. برای تعیین موضوع و ادات آزمون‌های تشخیصی وجود دارد که سه مورد آن ذکر می‌شود (Merlo and Esteve 2006; Schütze, 199).

الف) وابستگی به محمول: موضوع‌ها نسبت به ادات با گستره محدودتری از محمول‌ها همراه می‌شوند.

۴۴. او آن‌ها را از خطر آگاه کرد (شگفت‌زده کرد\* / تحسین کرد\*)

ب) تکراری بودن: ادات ممکن است تکرار شوند، در حالی که موضوع‌ها این‌گونه نیستند.

۴۵. او را در مسابقات بر سکوی قهرمانی دیدم.

۴۶\* او کتاب را به احمد / به علی داد.

پ) اختیاری بودن: موضوع‌ها وابسته‌های اجباری یک فعل‌اند، در حالی که ادات اختیاری‌اند؛ زیرا چیزی به معنی فعل نمی‌افزایند.

۴۷. مریم کتاب را در قفسه گذاشت.

۴۸\* مریم کتاب را گذاشت.

در این بخش، طرحی کلی از کارکرد گروه‌های حرف اضافه‌ای بر حسب سه ویژگی عمده آن‌ها ارائه می‌شود:

یک) طبیعت معنایی گروه حرف اضافه‌ای (+/- موضوع)

دو) رفتار نحوی آن‌ها (+/- مرکز)

سه) مقوله حرف اضافه آن‌ها (+/- محمولی)

ترکیب این ویژگی‌ها، نظامی از انواع گروه‌های حرف اضافه‌ای را به دست می‌دهد که موارد آن با داده‌هایی از زبان فارسی ارائه می‌شود. دستور نقش و ارجاع معنی‌شناسی واژگانی (lexical Semantics) را نقطه آغاز برای تحلیل بند در نظر می‌گیرد و، در تحلیل مبتنی بر این نظریه، اعتبار یک شرکت‌کننده، به‌عنوان موضوع یا ادات، کارکردی از معنی‌شناسی فعل است.

#### ۱.۴ گروه‌های حرف اضافه‌ای افزوده (- موضوع، - مرکز، + محمولی)

در دستور نقش و ارجاع، تمایز بین مرکز و حاشیه مبتنی بر تمایز بین موضوع‌ها و غیرموضوع‌ها است. دو نوع غیرموضوع یا ادات عبارت‌اند از: ادات گروهی، مانند

گروه‌های حرف اضافه‌ای و ادات غیرحرف اضافه‌ای، مانند قیود. ادات گروه حرف اضافه‌ای توصیف‌کننده مرکزند و عمدتاً در حاشیه پدیدار می‌شوند. بعضی قیود هم مرکز را توصیف می‌کنند، مانند قید زمان (دیروز) و آن‌ها نیز در حاشیه می‌آیند. در واقع، قیود ممکن است هر سه لایه بند (هسته، مرکز، و بند) را توصیف کنند. مثلاً قیود وجهی (aspectual adverb)، مانند «کاملاً» و «پیوسته»، هسته را توصیف می‌کنند.

این گروه‌ها شرکت‌کنندگان حاشیه‌ای متداول بند هستند، مثال‌های بارز آن گروه‌های حرف اضافه‌ای زمانی و مکانی‌اند. در این گروه‌ها، حرف اضافه به‌عنوان هسته در گروه حرف اضافه‌ای، که در جایگاه نحوی ادات ظاهر شده است، ایفای نقش می‌کند. افزوده‌ها موقعیتی را که محمول بیان می‌کند، به‌لحاظ زمانی، مکانی و ... مشخص می‌کنند و دربردارنده اطلاعات اضافی و حاشیه‌ای‌اند و حذف آن‌ها خللی در ساختار جمله وارد نمی‌کند، یعنی کنار گذاشتن آن‌ها از غنای اطلاعات موجود می‌کاهد اما خوش‌ساختی جمله را تحت تأثیر قرار نمی‌دهد. در خصوص این‌که حروف اضافه محمولی برای بندی که در آن واقع می‌شوند اطلاعات معنایی فراهم می‌کنند، می‌توان گفت که در زبان فارسی، در افزوده‌هایی که به‌صورت گروه حرف اضافه‌دار هستند، حرف اضافه مفهوم و کاربرد گروه اسمی پس از خود را تعیین می‌کند:

۴۹. دوستم را در خیابان دیدم. (مکان)

۵۰. او بعد از کلاس ورزش می‌کند. (زمان)

۵۱. آن‌ها با دوستان خود به گردش رفتند. (همراهی)

با توجه به داده‌های زبان فارسی، این گروه‌ها معمولاً بیش‌ترین بسامد را در جمله‌ها دارند و نقش به‌سزایی در بیان افکار و مفاهیم مورد نظر گوینده ایفا می‌نمایند. هم‌چنین اطلاعات حاشیه‌ای متعددی را بر جمله می‌افزایند، با وجود حاشیه‌ای بودن، حذف آن‌ها در بسیاری از موارد، سبب عدم برقراری ارتباط، مطابق منظور نویسنده، می‌شود.

۵۲. به نثر فارسی از آغاز تا مشروطه قدیم می‌گویند.

گروه‌های حرف اضافه‌ای مشخص‌شده در جمله بالا از نوع ادات‌اند ولی حذف آن‌ها سبب خلل در رساندن منظور نویسنده است.

## ۲.۴ گروه‌های حرف اضافه‌ای نشانگر موضوع (+ موضوع، + مرکز، - حرف اضافه محمولی)

آن‌گونه که ون ولین (VanValin, 2005: 22) بیان کرده، حروف اضافه غیرمحمولی اطلاعات

معنایی اساسی‌ای به بند اضافه نمی‌کنند و گروه اسمی پس از آن‌ها را محمول تعیین می‌کند، یعنی موضوع مرکزند. این حروف اضافه کارکردی از معنی‌شناسی محمول‌اند و به‌وسیله آن تعیین می‌شوند. در اصطلاحات دستور نقش و ارجاع، این گروه‌ها معمولاً موضوع غیرمستقیم مرکز نامیده می‌شوند. به عبارت دیگر، حرف اضافه موضوع غیرفراانقش را، که نه اثرگذار و نه اثرپذیر است، مشخص می‌کند. موضوع‌های مستقیم مرکز آن‌هایی هستند که با حروف اضافه نشان‌دار نمی‌شوند، یعنی اثرگذار و اثرپذیرند. مثال‌های واضح برای موضوع غیرمستقیم مرکز، موضوع‌های دریافت‌کننده فعل‌های انتقالی در زبان‌هایی مانند انگلیسی و فارسی است:

۵۳. علی کتاب را به مریم داد.

در جمله بالا گروه مشخص شده نقش معنایی دریافت‌کننده دارد که در فارسی با حرف اضافه «به» تعیین می‌گردد. باید توجه داشت که در این گروه‌ها حروف اضافه از سوی قواعدی به موضوع‌های خاص اختصاص می‌یابند.

۵۴. احمد کتاب را به علی داد.

۵۵. احمد کتاب را به علی نشان داد.

۵۶. احمد کتاب را به علی آموخت.

در جمله‌های فوق (علی) در تعدادی از نقش‌های معنایی، به ترتیب (دارنده، تجربه‌گر، و آگاه‌شونده) ظاهر می‌شود، اما در هر مورد فقط با حرف اضافه «به» مشخص می‌شود. در هر نمونه، گروه اسمی که قبل از آن «به» قرار گرفته، با وجود تغییر در نقش، در باز نمون معنایی، موضوع نخستین برای محمول پایانی می‌باشد: در زبان فارسی، حرف اضافه و گروه‌های حرف اضافه‌ای که در این دسته قرار می‌گیرند، با توجه به معنی و مفهوم محمول، تعیین می‌شوند و معمولاً بر این مبنا است که کار فعل از چه جهت به چه جهتی توجه داشته است؛ بنابراین می‌توان گفت وقتی محمول معمولاً جهت‌دار نیست و اثرگذار انجام‌دهنده واقعی کار است، در جمله، مفعول مستقیم وجود دارد، مانند جمله ۵۷.

۵۷. او کتاب را فروخت.

اما در مواردی که محمول دارای جهت است و نشان‌دهنده توجه یا حرکتی از طرف اثرگذار است و معمولاً اثرپذیر، عاملی معنوی یا مادی را دریافت می‌کند، این محمول‌ها معمولاً مفعول غیرمستقیم می‌گیرند و حرف اضافه همراه آن اغلب «به» است:

۵۸. آموزگار مطلب را به شاگرد یاد داد.

در این جمله، محمول جهت‌دار است و کار اصلی از آموزگار سر می‌زند و دریافت‌کننده شاگرد است. حرف اضافه «به» نمودار مفاهیم متعددی است ولی جنبه عمومی آن سمت نمایی است و این جنبه در رأس دیگر مفاهیم آن قرار دارد. ۵۹. نامه‌ای به او فرستادم.

در مثال فوق، چون سخن از یک عمل فیزیکی است، مفهوم سمت‌گیری حرکت کاملاً آشکار است. در مواردی که محمول دارای جهت است ولی جهت از گروه حرف اضافه‌ای آغاز می‌شود، گروه حرف اضافه‌ای با حرف اضافه «از» مشخص می‌شود. ۶۰. من کتاب را از او گرفتم.

در مثال‌های ۶۱ و ۶۲، محمول، با توجه به حرف اضافه‌ای که انتخاب می‌کند، دو معنی متضاد دارد.

۶۱. مطلب را از او آموختم.

۶۲. مطلب را به او آموختم.

#### ۱.۲.۴ محمول‌های پذیرنده گروه حرف اضافه‌ای نشانگر موضوع

محمول‌هایی که گروه حرف اضافه‌ای نشانگر موضوع می‌پذیرند به ده گروه زیر تقسیم می‌شوند. شایان ذکر است که منظور از واژه متمم، که در بعضی از گروه‌های زیر آمده، بخشی از جمله است که به دنبال فعل می‌آید و جمله را تکمیل می‌کند. متمم‌ها، در این مفهوم، اغلب بخش‌های اجباری جمله‌های مربوط به خود محسوب می‌شوند (Richards et al., 1992).

یک) فعل‌های ساده که گروه حرف اضافه‌ای را به‌عنوان موضوع سوم خود (موضوع غیرمستقیم مرکز) می‌پذیرند:

دادن، بخشیدن، آموختن (یاد دادن)، افزودن، آویختن، گرفتن، پرسیدن، شنیدن، آموختن، ربودن.

۶۳. آن بزرگوار این درس را به من آموخت.

فعل «آموختن» دارای دو موضوع فرانش اثرگذار و اثرپذیر است و موضوع سوم آن‌که غیر فرانش است با حرف اضافه نمود پیدا کرده است.

دو) فعل‌های گذرا به مفعول که با «ان» سببی می‌شوند:

خوراندن، پوشاندن، فهماندن، شناساندن، تاباندن.

۶۴. مادر لباس را به کودک پوشاند.

این فعل‌ها نیز دو موضوع فرانش دارند و حالت سببی محمول باعث شده که گروه حرف اضافه‌ای را نیز به‌عنوان موضوع سوم خود بپذیرند.

سه) فعل‌هایی که گروه حرف اضافه‌ای را به‌عنوان متممی گرفته‌اند و با (ان) سببی گذرا به مفعول می‌شوند:

رهاندن، گذراندن، چسبانیدن.

۶۵. او از خطر رهید.

۶۶. او مرا از خطر رهاند.

چهار) فعل‌های تک‌مفعولی که گروه حرف اضافه‌ای مفعول مستقیم آن‌ها است:

۶۷. من از این کتاب استفاده کردم.

۶۸. ماشین به او زد.

۶۹. آن‌ها به پدر بزرگ سر زدند.

این گروه‌ها را نیز می‌توان در دسته نشانگر موضوع قرار داد، زیرا حرف اضافه آن‌ها را محمول تعیین می‌کند و گروه اسمی پس از آن‌ها نیز موضوع مرکز است ولی در این جمله‌ها گروه حرف اضافه‌ای را می‌توان، به‌خلاف قسمت‌های قبلی، موضوع مستقیم مرکز در نظر گرفت؛ زیرا در جایگاه فرانش، یعنی اثرپذیر، قرار گرفته است.

۷۰. به او نفرین کردند.

۷۱. به ما کمک کردند.

۷۲. به احمد نگاه کردند.

در این مثال‌ها، غالباً مفعول مستقیم، در اثر فراوانی کاربرد، به‌صورت جزء اسمی فعل مرکب درآمده و با آن درآمیخته، از این رو، تنها مفعول دوم به‌صورت مفعول غیرمستقیم باقی مانده است و، چون جای مفعول مستقیم خالی است، مفعول غیرمستقیم می‌تواند به‌صورت مفعول مستقیم هم بیاید:

۷۳. او را نفرین کردند.

پنج) فعل‌هایی مانند ترسیدن، رنجیدن، فریب خوردن، شکست خوردن:

۷۴. دوستم از من رنجید.

گروه حرف اضافه‌ای در جمله ۷۴ عامل است و فرانش اثرگذار دارد، بنابراین، گروه حرف اضافه در این جمله، مانند جمله‌های گروه چهار، موضوع مستقیم مرکز است، با این تفاوت که آن‌ها نقش اثرپذیر دارند و این‌ها نقش اثرگذار.



شش) فعل‌های زیر که یک گروه حرف اضافه‌ای را به‌عنوان متمم خود می‌پذیرند: اندیشیدن، بالیدن، برآزیدن، برخوردارن، پرداختن، پیوستن، چسبیدن، گرویدن، تازیدن، نگرستن، رسیدن.

۷۵. جوینده به حقیقت می‌رسد.

۷۶. هیچ آزاداندیشی با حقیقت نمی‌جنگد.

هفت) بسیاری از فعل‌های مرکب فارسی که گروه حرف اضافه را به‌عنوان متمم خود می‌پذیرند:

۷۷. همه از او استقبال کردند.

۷۸. با ایشان مباحثه‌ای نداریم.

۷۹. در این زمینه کوتاهی نمودم.

یکی از خصوصیات زبان فارسی داشتن فعل‌های متعدد ترکیبی است که معمولاً از یک اسم یا صفت یا عنصر دیگری به اضافه فعل ساخته می‌شوند (باطنی، ۱۳۷۴: ۷۹). بررسی داده‌های نوشتارمعیار زبان فارسی نشان می‌دهد که بسیاری از گروه‌های حرف اضافه‌ای موضوع این محمول‌ها واقع می‌شوند. فعل‌های ترکیبی فارسی یک واحد معنایی‌اند؛ مثلاً، فعل «نشان دادن» یک واحد است و معادل با فعل «نمودن» است. اما این فعل‌ها از نظر ساختمان دستوری دو جزء هستند و این ویژگی سبب می‌شود که فعل‌های ترکیبی قابل بسط باشند و، در بعضی موارد، گروه حرف اضافه در بین دو قسمت واقع گردد.

۸۰. این دو روز را به این کار اختصاص داده‌ام.

۸۱. این دو روز را اختصاص به این کار داده‌ام.

این ویژگی، یعنی همراه کردن جزء غیرفعلی فعل‌های ترکیبی با کلمه‌های دیگر، سبب قابلیت بیش‌تر برای بیان تغییرات ظریف معنایی می‌شود. نکته قابل توجه در مورد جمله‌های ۷۷-۷۹ تنوع حروف اضافه است. در جمله ۷۸، محمول دوجانبی است، یعنی رویارویی دو جانبه اثرگذار با گروه حرف اضافه را نشان می‌دهد. حرف اضافه «با» معمولاً معانی همراهی و ابزار را (در جایگاه افزوده) می‌رساند ولی در معنی مشارکت نیز به کار می‌رود و فعل‌های مرکبی که با مصدرهای باب مفاعله زبان عربی ساخته می‌شوند با این حرف اضافه به کار می‌روند.

حرف اضافه «در» غالباً مفاهیم مکان و زمان را می‌رساند و با گروه اسمی پس از خود

در جایگاه افزوده قرار می‌گیرد اما، در جمله ۷۹، همراه فعل‌های مرکبی، مانند تأخیر کردن، تأثیر کردن و ... گروهی را تشکیل می‌دهد که موضوع محمول می‌شود. در فعل‌های مرکبی مانند: سهم دادن، قول دادن، وعده دادن، تن دادن، عبرت گرفتن، دست کشیدن، که گروه حرف اضافه‌ای را به‌عنوان موضوع خود می‌پذیرند، سازه غیرفعلی اسمی است که مفعول صریح بوده و، در فرایند تشکیل فعل مرکب، «را»ی آن حذف شده است (یعنی ساختاری شبیه جملات گروه (یک) داشته است).

**هشت) فعل‌های مرکبی که، در آن‌ها، گروه حرف اضافه به‌عنوان موضوع سوم قرار می‌گیرند:**

۸۲. علی مریم را با مینا آشتی داد.

۸۳. او در مهمانی مرا با استاد آشنا کرد.

فعل‌های عادت دادن، یاد دادن، گزارش دادن، نشان دادن، پس دادن از دیگر فعل‌های این گروه‌اند. این فعل‌ها، مانند گروه (یک) دو موضوع مستقیم و یک موضوع غیرمستقیم به‌صورت گروه حرف اضافه‌ای می‌پذیرند.

**نه) فعل‌هایی مانند گفتن و اطلاق کردن در جمله‌های زیر:**

۸۴. اهل محل به او پهلوان می‌گفتند.

۸۵. ما به این نوشته‌ها نثر ادبی اطلاق می‌کنیم.

گروه‌های حرف اضافه‌ای «به او» و «به این نوشته‌ها» برای فعل‌های «می‌گفتند» و «اطلاق می‌کنیم» موضوع واقع می‌شوند ولی این فعل‌ها، همان‌طور که خیام‌پور (۱۳۷۲: ۷۰) آن‌ها را فعل ناقص نامیده، نیاز به متمم دارند. «پهلوان» و «نثر ادبی» متمم این فعل‌هایند. اغلب افعالی که متمم فعل ناقص می‌گیرند یک مفعول نیز می‌پذیرند که الزاماً با «را» می‌آید و حذف «را» از جمله سبب بد ساخت شدن آن می‌شود.

۸۶. او را نابغه پنداشتم.

۸۷. او نابغه پنداشتم.

این متمم اسم، صفت یا حالتی را به مفعول جمله نسبت می‌دهد؛ از این رو، عده‌ای آن را متمم مفعول و فعل آن‌ها را متعدی مرکب نامیده‌اند (غلامعلی‌زاده، ۱۳۷۴: ۱۱۸). در موارد معدودی که، به جای مفعول، گروه حرف اضافه‌ای می‌آید، مانند جملات ۸۴ و ۸۵، گروه حرف اضافه‌ای دریافت‌کننده آن صفت یا حالت است، به همین جهت با حرف اضافه «به» همراه می‌شود.

### ده) فعل‌های ناگذر حرکتی

۸۸. در تابستان به بیلاق خواهیم رفت.

در جمله ۸۸ گروه حرف اضافه‌ای «به بیلاق» عنصری است که حذف آن جمله غیردستوری یا حداقل مبهم زیر را به دست می‌دهد:

۸۹. در تابستان خواهیم رفت.

این گروه‌های حرف اضافه‌ای می‌توانند موضوع‌های هدف و منشأ برای فعل‌های ناگذر حرکتی در نظر گرفته شوند.

ایبانیز (Ibañez, 2009) دلایل مطرح کردن این گروه‌ها در این دسته را این‌گونه بیان کرده است. الف) از نظر معنایی مورد نیازند.

ب) عنصری اختیاری‌اند ولی گرایش زیادی به رمزگذاری شدن دارند.

ج) به‌طور مکرر با حرف اضافه خاص خود (canonical preposition) می‌آیند.

د) حروف اضافه آن‌ها از خود محمول قابل پیش‌بینی‌اند.

### ۳.۴ گروه‌های حرف اضافه‌ای موضوع-افزوده (+موضوع،+ مرکز، + حرف اضافه محمولی)

سومین کارکرد گروه حرف اضافه‌ای، با توجه به دستور نقش و ارجاع، این است که می‌تواند موضوع محمول را مشخص کند و، در عین حال، بر معنای بند بیفزاید. بهترین مثال برای این مورد، گروه حرف اضافه‌ای با فعلی مانند «گذاشتن» است. این فعل‌ها با عبارتی مکانی کامل می‌شوند اما حرف اضافه مکانی را فعل تعیین نمی‌کند.

۹۰. او کتاب را روی / نزدیک / پشت / بالای / زیر جعبه نهاد.

۹۱. او چوب را در زمین فرو کرد.

در جمله بالا، حروف اضافه متعدد، به خلاف حرف اضافه «به» با فعل‌هایی مانند «دادن» یا «نشان دادن»، بخش مهمی از معنای جمله را می‌رسانند و بنابراین باید حروف اضافه محمولی در نظر گرفته شوند. به گروه‌های حرف اضافه‌ای، که در جمله فوق به‌کار رفته، موضوع-افزوده در مرکز گفته می‌شود. مشکوة‌الدینی (۱۳۸۷) این‌گونه محمول‌ها را، گروه فعلی با قید مکان اجباری می‌نامد، به این معنی که به‌کار بردن گروه حرف اضافه‌ای قید مکان به همراه فعل‌های مشابه «گذاشتن» اجباری است و، در حالتی که گروه حرف اضافه‌ای قید مکان در گروه یادشده ظاهر نشود، مفهوم آن را شنونده می‌فهمد.

یکی از ساختارهای زبان فارسی، که گروه حرف اضافه‌ای در آن به‌کار می‌رود، «ساختارهای فعل سبک» (light verb construction) فارسی است. دبیرمقدم (۱۳۸۸: ۱۷۲)

این ساختارها را با عنوان «گروه حرف اضافه‌ای و فعل» در ضمن بحث فعل مرکب بررسی کرده و می‌نویسد: تمام این افعال مرکب در پیکره زبانی مورد بررسی ایشان به صورت استعاری به کار برده می‌شوند. این محمول‌های پیچیده از پیوند گروه‌های حرف اضافه‌ای و شکل‌های ضعیف‌شده فعل، که به آن «فعل سبک» می‌گویند (Cattell, 1984)، تشکیل می‌شود. مطالعه‌ای که درباره ساختارهای فعل سبک حرف اضافه‌ای فارسی، با توجه به دستور نقش و ارجاع، انجام گرفته است نشان می‌دهد که این ساختارها مربوط به نوع سوم گروه‌های حرف اضافه‌ای در تحلیل دستور نقش و ارجاع، یعنی موضوع – افزوده‌اند و حروف اضافه آن‌ها محمولی است.

در واقع، در جمله‌های حاوی این ساختارها، معنی فعل و جمله بدون گروه حرف اضافه‌ای کامل نیست. نکته مهم این است که در چنین ساختارهایی دو بخش محمولی (عنصر فعلی و گروه حرف اضافه محمولی) یک پیوند هسته فعلی (nuclear juncture) را تشکیل می‌دهند. یافته دیگر تحقیق مذکور این است که گروه‌های حرف اضافه‌ای در این ساختارها از نوع مکانی‌اند.

#### ۴.۴ گروه‌های حرف اضافه‌ای موضوع در حاشیه

گروه حرف اضافه‌ای عامل برای ساختارهای مجهول در زبان‌هایی مانند انگلیسی و فارسی در این بخش جای می‌گیرند.

۹۲. او شیشه را با سنگ شکست.

۹۳. سنگ شیشه را شکست.

۹۴. او غذا را با دست خورد.

۹۵. \* دست غذا را خورد.

گروه حرف اضافه‌ای ابزاری در جمله ۹۲ می‌تواند به عنوان موضوع مرکز (= نهاد) در جمله ۹۳ ظاهر شود ولی این حالت در جمله ۹۵ الگویی غیردستوری به دست می‌دهد (VanValin, 2001: 94). گروه حرف اضافه‌ای در جمله‌هایی مانند ۹۲ را می‌توان در گروه موضوع در حاشیه قرار داد.

#### ۵.۴ گروه حرف اضافه‌ای در نقش محمول جمله

در زبان فارسی، دسته دیگری از گروه‌های حرف اضافه‌ای وجود دارد که در تقسیم‌بندی

دستور نقش و ارجاع به‌طور مستقیم به آن اشاره‌ای نشده است و می‌توان آن‌ها را گروه‌های حرف اضافه‌ای دارای نقش محمول نامید. این گروه‌ها خود به دو دسته تقسیم می‌شوند: دسته اول را پیوی (Pavy, 2010) با عنوان «محمول‌های غیرفعلی» بررسی کرده است. همان‌گونه که در معرفی دستور نقش و ارجاع ذکر شد، هسته، در مرکز، دربردارنده محمول است و محمول عمل یا موقعیتی را توصیف می‌کند و اغلب فعل است ولی در مثال زیر:

۹۶. رضا خلبان است.

خلبان به‌عنوان عبارت ارجاعی عمل نمی‌کند، به‌عبارت دیگر، مانند موضوع به شخص دلالت ندارد، بلکه یک ویژگی را توصیف می‌کند و کارکردی محمولی دارد، فعل این جمله فقط حامل زمان است و حامل معنی اصلی جمله در توصیف رویداد یا موقعیت نیست؛ بنابراین، در جمله‌هایی مانند:

۹۷. این میز از چوب است.

۹۸. این کتاب درباره زیست‌شناسی است.

که گروه حرف اضافه در نقش مسند یا متمم نهاد به‌کار رفته است، در واقع گروه حرف اضافه یک محمول غیرفعلی و مربوط به مرکز است، حروف اضافه این محمول‌ها نیز از مقوله محمولی است.

دسته دیگر شامل «محمول‌های ایستای مکانی» (locative state predicates) است (ibid: 124)؛ مانند جمله‌های زیر:

۹۹. خانه آن‌ها در این محله است.

۱۰۰. گره این کار در دست شما است.

## ۵. نتیجه‌گیری

مطابق با نظریه دستوری نقش و ارجاع، نقش محمولی جمله‌ها را همیشه عناصر فعلی نشان نمی‌دهند، بلکه اسم، صفت، قید یا حرف اضافه نیز می‌تواند بیانگر محتوای گزاره‌ها باشد. بنابراین، حرف اضافه، مانند دیگر اقسام کلام، می‌تواند محمولی باشد. محمولی یا غیرمحمولی بودن حرف اضافه اساساً مبتنی بر فعلی است که با آن همراه می‌شود.

در تحقیق حاضر، داده‌های زبان فارسی، شامل انواع گروه‌های حرف اضافه‌ای که به‌عنوان سازه‌ای مستقل کاربرد دارند، با توجه به دسته‌بندی این نظریه، بررسی و مشخص شد که این دسته‌بندی برای تحلیل گروه‌های حرف اضافه‌ای زبان فارسی قابل استفاده است.

بر اساس این تقسیم‌بندی، گروه‌های حرف اضافه‌ای به چهار بخش عمده: افزوده، نشانگر موضوع، موضوع - افزوده، و موضوع در حاشیه تفکیک گردید و بدین ترتیب نشان داده شد که نگرش بسیاری از دستورنویسان سنتی و هم‌چنین زبان‌شناسان در مورد گروه‌های حرف اضافه نارسا است. گروه‌های حرف اضافه، آن‌چنان که برخی از زبان‌شناسان ادعا نموده‌اند، همیشه ادات نیستند، بلکه در نقش مفعول، در نقش نشان‌دهنده مفعول غیرمستقیم و حتی به‌عنوان محمول جمله ظاهر می‌شوند.

در این جستار، گروه‌های حرف اضافه‌ای نشانگر موضوع، با توجه به افعالی که با آن‌ها می‌آیند، به ده دسته تقسیم شد. گروه حرف اضافه‌ای همراه با فعل‌های ناگذر حرکتی، گروه حرف اضافه‌ای مکانی و غیرمکانی همراه با فعل ربطی، و گروه حرف اضافه‌ای در ساختارهای فعل سبک فارسی، از دیگر مواردی است که در این پژوهش، با توجه به دستور نقش و ارجاع، بررسی شد. همان‌گونه که در متن مقاله اشاره شد، گروه‌های حرف اضافه‌ای زبان فارسی به‌عنوان سازه‌ای وابسته نیز کاربرد دارند، مانند متمم اسم، صفت و ... که تحلیل آن‌ها در چهارچوب این نظریه مجالی دیگر را می‌طلبد.

## کتاب‌نامه

- ارژنگ، غلامرضا (۱۳۷۴). *دستور زبان فارسی امروز*، تهران: قطره.
- باطنی، محمدرضا (۱۳۷۴). *توصیف ساختمان دستوری زبان فارسی*، تهران: امیرکبیر.
- خیام‌پور، عبدالرسول (۱۳۸۴). *دستور زبان فارسی*، تهران: ستوده.
- دبیرمقدم، محمد (۱۳۸۸). *پژوهش‌های زبان‌شناختی فارسی*، تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
- غلامعلی‌زاده، خسرو (۱۳۷۴). *ساخت زبان فارسی*، تهران: احیای کتاب.
- قریب، عبدالعظیم و همکاران (۱۳۷۳). *دستور زبان فارسی (پنج استاد)*، تهران: ناهید.
- مشکوة‌الدینی، مهدی (۱۳۸۷). *دستور زبان فارسی، واژگان و پیوندهای ساختی*، تهران: سمت.
- وحیدیان کامیار، تقی و غلامرضا عمرانی (۱۳۷۹). *دستور زبان فارسی*، تهران: سمت.
- Cattell, R. (1984). *Composite Predicates in English*, Orlando, Florida: Academic press.
- Croft, W. (2001). *Radical Constructron Grammar*, Oxford: Oxford University Press.
- Dowty, D. (2003). "The Dual Analysis of Adjuncts/ Complements in Categorical Grammar", in Evald Lang, Claudia Maienborn, and Cathry Fabricius-Hansen (eds.), *Modifying Adjuncts*, Berlin: Mouton De Gruyter.
- Ibáñez, S. (2009). "Some Functions of Prepositional Phrases in Spanish", in L. Guerrero, S. Ibáñez, and V. Belloro (eds.), *Studies in Role and Reference Grammar*, Mexico: UNAM.

- Merlo, P. and E. Esteve Ferrer (2006). "The Notion of Argument in Prepositional Phrase Attachment", *Computational Linguistics* 32(3).
- Pavey, E. (2010). *The Structure of Language: An Introduction to Grammatical Analysis*, Cambridge: Cambridge University Press.
- Radford, A. (1997). *Syntactic Theory and the Structure of English*, Cambridge: Cambridge University Press.
- Rezai, Vali. (2003). "A Role and Reference Grammar Analysis of Simple Sentences in Farsi" (Modern Persian), Ph.D. Dissertation, University of Isfahan.
- Richards, Jack et al. (1992). *Dictionary of Language Teaching & Applied Linguistics*, Longman Group UK Limited.
- Saeedi, T. Zari. (2010). "Event Structure of Prepositional Nuclear Junctures in Persian: A Role and Reference Grammar Account", Ph.D Dissertation. Trinity College Dublin.
- Schütze, C. T. (1995). "PP Attachment and Argumenthood", *MIT Working Papers in Linguistics* 26.
- Schütze, C. T. and E. Gibson (1999). "Argumenthood and English Prepositional Phrase attachment", *Journal of Memory and Language* 40.
- Van Valin, Robert D., Jr (2005). *Exploring the Syntax-Semantics Interface*, Cambridge: Cambridge University Press.
- Van Valin, Robert D., Jr. (2001). *An Introduction to Syntax*, Cambridge: Cambridge University Press.
- Van Valin, Robert D., Jr. and Randy J. Lapolla. (1997). *Syntax: Structure, Meaning and Function*, Cambridge: Cambridge University Press.
- VanValin, Robert D., Jr. (1991). "Functionalist Linguistic Theory and Language Acquisition", *First Language* 11.

